مبانی هومیوپاتی

دکتر کاظم عبدی(کارشناس ارشد سازمان دامپزشکی کشور)

آرش حقیقت خواه، فرهاد رامی ، امیر مهدی عرفانی(دانشجویان سال آخر دانشگاه آزاد ارومیه)

جهت فهم بیشتر هومیوپاتی درک ریشه های آن لازم است. در آغاز قرن نوزدهم ، یک پزشک آلمانی به نام Samuel Hahne mann روش جدیدی از درمان را به عنوان جایگزینی با ارزش برای روشهای پزشکی معمول عصر خود ابداع کرد. این نوع درمان را هومیوپاتی نامید که از کلمه یونانی به معنی «رنج مشابه » گرفته شده است.

«هانمان»این سیستم درمانی را به عنوان یک روش درمانی کامل بر اساس قوانین و اصول قابل اثبات بالینی معرفی کرد . اصل اولیه این شیوه قانون تشابهات است که بر این فرض استوار است که علائم ظاهر شده در بیمار ، بیماری نبوده بلکه واکنشهای مثبتی از عضو تحت فشار است که در جهت تلاش برای به دست آوردن تعادل فیزیولوژیکی خود انجام می دهد. پزشک برای کمک به برقراری تنظیم فیزیولوژیک بیمار ، به جای سرکوب این واکنش ها(علائم)به آنها کمک کرده و تقویت می کند.

معالجه صحیح بر اساس قابلیت هومیوپاتیکی برای تولید این نشانه ها در فرد سالم می باشد. شخص بیمار نسبت به چنین معالجه ای بسیار حساس است ونشانه های وی موقتا تقویت می شود تا درمان صورت گیرد.

سلامتی از نظر یک هومیوپات به معنی هماهنگی میان بدن و شعور (قوای حیاتی)است این شعور با تولید یک سری علائم قوی که قادر است به سرعت و به طور موثر در مقابل تهاجمات واکنش نشان دهد و بدن را به تعادل برمی گرداند. به عنوان مثال یک تب بالا و ناگهانی دلالتی از یک شعور قدرتمند است فلذا تجویز داروهایی که سبب تولید این علائم می شوند باعث تحریک شعور شده و در نتیجه اثرات درمانی بهتر ظاهر می شود.

لازم به ذکر است که این مساله نکته درمان علامتی است . یعنی در درمان علامتی این علائم به عنوان بیماری تلقی شده و سرکوب می شوند که در این صورت شعور بیمار به مخاطره خواهد افتاد.نکته قابل توجه اینجاست که از نظر هومیوپات بیماری با توجه به میزان - آسیب پذیری بیمار و نه به راساس فاکتورهای مهاجم تعریف می شود. پس می توان گفت که در هومیوپاتی سعی بر این است که این آسیب پذیری کمتر شده و به بیمار کمک کنیم تا در برابر این تاثیرات منفی و ناسالم مقاومت کند.

تعریف بیماری از نظر یک هومیوپات واکنش نا متناسب و نابجای بدن در برابر یک حمله اولیه است . بدین صورت که اولین واکنش و عکس العمل یک عضو در برابر یک حمله (بیماری)با یک حالت روانی شروع و در پی این حالت ما شاهد یک سری پاسخهای هورمونی ـ عصبی از جانب بدن خواهیم بود. پس می توان نتیجه گرفت که این فاکتور پاتولوژیک در ابتداباعث یک اغتشاش مرکزی شده و واکنش روانی و نوراندوکرین را در پی داشته است. از جمله علائم روانی می توان ترس ناگهانی و نگرانی را نام برد. سپس سیستم اندوکرین هم با عکس العمل هایی همانند التهاب در برابر این عوامل واکنش نشان خواهد داد. البته در صورتی که این استراتژی بدن نامتناسب یا ناموفق باشد اجزاءکم اهمیت تر بدن قربانی شده و به دنبال آن آسیب های بعدی ظاهر می شوند.

یک واکنش عمومی قوی (در برابربیماری) نشانه تندرستی می باشد که این حالت اغلب در افراد جوان دیده شده و به طور کلی در این موارد آسیب های فیزیکی در فرد ایجاد می شود. اغلب در افرادی که به بیماریهای مزمن مبتلا هستند یک واکنش عمومی ضعیف در برابر بیماری دیده می شود و در آنها اختلالات فیزیکی مشخص ظاهر می شود.با توجه به مطالب گفته شده عقیده بر این است که معالجات هومیوپاتی واکنشهای مرکزی را برای مواجهه صحیح و اصولی در برابر حملات تحریک می نماید.

طبق قانون «هانمان»در لحظه درمان فقط یک (مداوای دارد که Similimium.دقیق)وجود می تواند باعث معالجه بیماری گردد.دارو به عنوان یک عامل برگرداننده تعادل تعریف شده و هر فرد بیمار به تنهایی و به طور مجزا مورد معالجه و درمان قرار می گیرد.

«هانمان»با تمام توان و با استفاده از عصاره های گیاهی، حیوانی و مواد معدنی شروع به بررسی تئوریهای خود نموده و به این موضوع پی برد که بعد از واکنش اغتشاشی اولیه،بیمار به طور کامل سلامتی خود را به دست می آورد ولی بعد ها دریافت که اگر دارو را رقیق کرده و در آب و الکل حل کنند نیروی شفابخشی ماده که مخفی بوده فعال شده و رسمیت فیزیکی دارو ها نیز از بین می رود.این فر آیند به توانمند سازی در واقع باعث کاهش شدت تولید و افزایش تحریک شعور می شود و اگردوباره یک جزء از این محلول رقیق شده باز هم به نسبت ۱ به ۹۹ رقیق شود از نظر توانایی ۱ c (صدم)خوانده می شود و اگردوباره یک جزء از این محلول رقیق شده باشد با هم نسبت ۱ با ۹۹ رقیق شود ۲ c خوانده می شود.

در صورتی که این روند به تعداد دفعات بیشتری انجام شود توان شفابخشی دارو بیشتر شده و X اختصاصات فیزیکی بیشتری حذف می‌شوند.سیستم رقت ده برابر با یک و هزار برابر (که توانا‌ترین رقت می باشد)بایک M نشان داده می شود.

طول مدت عمل دارو ممکن است کوتاه و شاید چند ثانیه باشد ولی واکنش شعور بسته به قدرت داده شده می تواند طولانی تر داشته باشد.البته باید توجه داشت تا زمانیکه شعور در حال واکنش است نباید درمان را تکرار کنیم. در طی روند درمان علائم اولیه تشدید می شود که این مرحله همواره با احساس بهبودی بوده و به زودی این پروسه با تسکین علائم ادامه می یابد که این نوع پاسخ یک پاسخ مثبت و شفاگر در نظر گرفته می شود.غالبا ممکن است در طی درمان یک وضعیت گمراه کننده رخ دهد.

بدین صورت که علائم بدون تشدید یافتن سریعاً خوب شده و درمان بدون استعمال دزهای افزایشی سریعاًانجام شود. این مساله به اصطلاح تسکین نام داشته و یک واکنش شفابخش در نظر گرفته نمی شود.تسکین در طب غربی یک درمان رایج بوده (استعمال کورتیکواستروئیدها برای بیماری پوست)ولی می تواند در هومیوپاتی هم (خصوصاً هنگامی که از ترکیب داروها استفاده می شود)استفاده شود.

سومین قانون شامل این است که طبیعت معالجه می شود که خود این قانون از یک الگوی خاص و قابل پیش بینی پیروی می کند.علائم تمایل دارند از سر به سمت نقاط پایین تر و انتهایی حرکت کنند بنابراین درمان هم از ذهن شروع شده و به سمت بدن حرکت می کند.واکنش مناسب نسبت به درمان به صورت بهبودی در وضعیت ذهنی مشخص می گردد.

نکته سوم اینکه ممکن است نشانه ها و علائم قدیمی تر بیماری که سرکوب شده بودند با یک ترتیب معکوس از وقوع اولیه خود بازگشته و مجدداً دیده شوند.

تجویز درمان صحیح:

درمان با داروهای هومیوپاتی یک رکورد در اثرات مواد فعال برروی سلامت جوامع بشر به حساب می آیند.در هر درمانی تعدادی از علائم به صورت مرضی بر اساس قسمتهایی از بدن که تحت تاثیر قرار می گیرند(مانند انتهاهای بدن،سر،صورت،علائم روانی)و یا علائم عمومی (کیفیت های منفرد از علائم بالینی)دسته بندی می شوند.یک عمومیت می تواند شامل عبارتهایی مانند «بدتر با سرما»«بدتر در شب»و «بهتر با استراحت»باشد.معمولاً هر علامت واجد مشخصه خاصی (نشانه یک نکته کلیدی)است که درمان خاصی را طلب می کند.به عنوان مثال یکی از علائم و نشانه های کلیدی ذهنی برای ماده هومیوپاتیک قسفر، ترس از طوفانهای رعد و برقی است.لازم به ذکر است که به عنوان یک قاعده کلی اولویت با علائم عمومی و روانی است . یعنی اگر درمان با علائم فیزیکی متناسب ولی با تصویر روانی مطابقت نداشته باشد معمولاً معالجه موثری نخواهیم داشت.تعداد زیادی از داروهای مورد استفاده در پزشکی در بازار در دسترس می باشند که برخی از آنها به نرم افزارهای کامپیوتری ترجمه شده اند.دکتر معالج بایستی همه علائم (چه در گذشته و چه در حال) را ثبت کند و باید توجه ویژه ای به علائم عمومی و حالات روحی و نیز علائم اختصاصی مبذول دارد.«اسپس پزشک معالج درمان مناسب را توسط روندی به نام گزارش ساز(reportization) انتخاب و علائم بالینی بیماری‌را در کتابی که مخزن یا (repertory)نامیده می شود جستجو می کند.

در هر مخزن تمام علائم بر اساس قسمتهای مختلف بدن دسته بندی شده است. بعد از هر نشانه لیست معالجاتی قرار دارد که نشانه ها را در یک فرد سالم (نمونه)ایجاد می کند. سپس معالجات بالقوه با یک دارویی که به بهترین شکل ممکن با علائم بیماری تطبیق کند شروع می شود.بعد از انتخاب درمان نوبت به انتخاب و تعیین مناسب ترین توانایی است.توانایی به عواملی از قبیل قدرت شعور،درجه آسیب شناسی فیزیکی ومزمن بودن بیماری بستگی دارد.شعور با توانایی نسبت مستقیم دارد.یعنی هر چه شعور قوی تر باشد توانایی به کار رفته و هم بزرگتر خواهد بوداما توانایی با آسیب یافتی نسبت عکس دارد یعنی هر چه آسیب یافتی بیشتر باشد توانایی کمتر خواهد بود(نارسایی کلیوی در مقابل التهاب حاد مثانه).هر چه توانایی بیشتر باشد به همان نسبت تاثیر آن بر روی شعور طولانی مدت خواهد بود(مثلاً یک توانایی m ۱ می تواند یک ماه دوام بیاورد در حالی که یک توانایی c 30 ممکن است فقط یک هفته دوام داشته باشد).

در صورتی که تجویز ما برای موارد معین و شناخته شده بود و صدمات حاد نباشند می توانیم از توانایی c 200 بیشتر استفاده کنیم.البته ممکن است غلظت های بیشتر ، امتیاز بیشتری هم داشته باشند زیرا هر چه توانایی بالاتر باشد واکنش انجام گرفته هم مشخص تر خواهد بود.

معمولترین اشتباه و خطایی که در امر درمان مشاهده می شود تجویز دز بالای دارو می باشد. داروها به صورت دانه ای یا مایع هستند. تعداد دانه های مصرفی در یک دز نسبتا بی اهمیت می باشد ولی مساله مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد توانایی است.هومیوپاتها نسبت به کارگیری برخی مواد در انجام درمانهای هومیوپاتی اخطار داده اند.به طور مثال باید از بکار بردن فر آورده های آروماتیک قوی مانند کافور اجتناب گردد.

لازم به ذکر است که به کارگیری توام درمان علامتی با هومیوپاتی نتایج نا مشخص ایجاد می کند و روی مداوا اثر بدی دارد.مقایسه بیماری حاد و مزمن‌بسته به اینکه آیا بیماری حاد یا مزمن می باشد دو روش برای تجویز داروهای هومیوپاتی وجود دارد. بسیاری از هومیوپاتها بر این باورند که اکثر بیماریهای به ظاهر حاد ، در واقع تظاهری جزئی از یک بیماری مزمن مخفی و عمیق مهار شده می باشند.لذا تفاوتهای بین این دو حالت بیماری یعنی حاد و مزمن قابل اغماض بوده و می توان هر دو را یک روش درمان کرد.هومیوپاتها غالباً خط خونی بیمار را مطالعه می کنند زیرا بیماری مزمن معمولاً ارثی است.نژادهای بومی از نظر مزاجی با نژادهای اصیل تفاوت هایی دارند. از آنجائیکه درمان مزاجی مقاومت بیمار را نسبت به حملات بیماری حاد افزایش می دهد(به خوبی بیمار مزمن)لذا می توان تجویز مزاجی را هم به عنوان درمان و هم پیشگیری معرفی کرد.هومیوپاتیک های مزاجی فراگیری بیشتری نسبت به سایر معالجات دارند و در مواردی مانند صدمات مکانیکی شاخص های درمان صرفاً فیزیکی است ولی این هرگز بدان معنا نیست که مداوا واجد هیچ نشانه ذهنی (در نمونه های خود)نمی باشد بلکه بدین معنی است که مداوا می تواند به تنهایی و با توجه به شاخصهای موجود تعیین گردد.در سایر شرایط جزء فکری واجد بیشترین اهمیت بوده و یا جهت تعیین نوع مداوا به کار می رود. مثلا برای مداوای ترومای شدید سر چندین مداوا پیشنهاد شده است ولی arnica دارای نشانه های ذهنی «ترس از لمس » است که می تواند منجر به کاربرد آن به عنوان یک داروی هامیوپاتی حتی ماهها پس از بهبودی کامل تروما گردد.

در موارد اورژانسی که نیاز به یک کمک سریع می باشد توصیف یک تصویر کامل از علائم بالینی همیشه وجود ندارد و اغلب درمان تنها بر اساس علائم بالینی موجود اعمال می گردد. این امر ممکن است از اصول هومیوپاتی که به بیمار به صورت کلی نگر توجه دارد منافات داشته باشد.بکار گیری این داروها وضعیت بیمار را تثبیت و بهبودی را تسریع می کند.

اغلب پس از درمانهای ابتدایی و سریع بحران اولیه هم بر طرف شده و یک تصویر مزاجی واضح تر ظاهر می شود.دز توصیه شده برای کمک های اولیه و بیماری حاد تا حدی متغیر بوده تجویز و ترجیحاً 30 می کنند.به عنوان یک قاعده باید درمان را هر ۳۰ دقیقه یکبار برای سه نوبت تکرار کنیم . در صورتی که هیچ پاسخی دریافت نکردیم لازم است درمان را مجددا اعمال کنیم اما در صورتی که بیمار یک پاسخ فعال مثبت نشان دهد، درمان را نباید تکرار کنیم.

در مداوای بیماریِ مزمن طول دوره درمانی بستگی به توانایی آن دارد.عموماً 30 اثرات خود را به مدت چند روز تا یک هفته ، c 200 تاثیر خود را برای چند هفته اعمال کرده و IM هم می تواند یک واکنش درمانی را برای چند ماه تحریک کند.

در گذر زمان

گنجینه های کتاب ایرانی
نوشته:شادروان دکتر محمد محمدی ملایری

اشاره:

استاد دکتر محمد محمدی ملایری ایران پژوه و چهره شاخص پژوهش های تاریخی و فرهنگی ایران روز شنبه اول تیرماه در سن ۹۱ سالگی درگذشت . مهم ترین اثر این دانشمند بزرگ، مجموعه تاریخ و فرهنگ ایران است که توضیح گر دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی و حاصل - تدوین بخشی از یادداشت های چهل سال تدریس استاد در دانشگاه تهران و دانشگاه های دولتی لبنان و همچنین دانشگاه آمریکایی بیروت است. این کتاب که ابتدا در سال ۱۳۲۳ خورشیدی منتشر شد بعد ها با تکمیل یادداشت ها و مباحث آن به مجموعه ای بزرگ تبدیل شد که در هفت مجلد (پنج جلد اصلی و ۲ جلد پیوست ها)توسط انتشارات توس در حال انتشار است . از این مجموعه‌ی عظیم ، خلاصه ای نیز در یک جلد به نام «فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی »منتشر شده است که نوشته زیر از این کتاب ارزشمند به منظور آشنایی با نمونه آثار این دانشمند فقید، نقل می شود:

در بعضی از منابع اسلامی از گنجینه هایی سخن رفته که ایرانیان قدیم کتابهای علمی و آثار فرهنگی خود را در آنها حفظ می کرده اند. شاید این روایات از آنجا ناشی شده باشد که در قرنهای نخست اسلام گاهی ، در ضمن کاوشها یا در بناهای قدیمی ، به کتب یا نوشته هایی مربوط به دوره های باستانی ایران بر می خورده اند و یا اینکه در تاریخ ایرانی این گونه اخبار را می یافته اند. در هر حال آگاهی ما از این گنجینه ها به حدی نیست که بتوانیم در باره ی آنها و چند و چون آنها به طور قطع اظهار نظر کنیم لیکن آنچه از مجموع اطلاعاتی که در این خصوص به ما رسیده استفاده می شود این است که در دوره هایی که هنوز از سقوط دولت ساسانی مدت طولانی - نگذشته بوده مقدار زیادی از کتب و آثار نوشته ی ایرانی از همین طریق به دست آمده است.

یکی از این محل ها که ابن الندیم و حمزه ی اصفهانی و ابوریحان بیرونی بدان اشاره کرده و از آثاری که در آنجا پیدا شده سخن گفته اند بنایی بوده در اصفهان که «حمزه» آن را همسنگ اهرام مصر و یکی از عجایب شرق دانسته است، این بنا تا عصر این نویسندگان همچنان برپا بوده، و بنام «سارویه»خوانده می شده.

یکی از حوادثی که درباره ی این محل در کتابهای «سنی ملوک الارض و الانبیاء»و «الفهرست» و «الاثار الباقیه»هر سه نقل شده خراب شدن قسمتی از این بنا و بدست آمدن شمار زیادی از کتابهای قدیمی است. ابن الندیم این واقعه را از قول کسانی موثق و درستکار نقل کرده، گوید: در این قسمت کتابهایی به دست آمد که کسی آنها را خواندن نتوانست .

ولی از نوشته «حمزه»چنین پیداست که وی خود شاهد واقعه بوده، چه حمزه پس از ذکر این‌خبر گوید که مردم خبر این محل عجیب را از من پرسیدند و من کتابی از ابومشعر فلکی که به نام کتاب «اختلاف الزیجه»خوانده می شود بیرون آوردم. و سپس شرحی را که ابومشعر فلکی درباره ی این بنا در این کتاب نوشته بوده و ابن الندیم و ابوریحان نیز آنرا نقل کرده اند به تفصیل آورده است. بنا به قول حمزه در سال ۳۵۰ یک غرفه از این بنا ویران شده و در آن در حدود پنجاه عدل نوشته هایی یافته اند که بر روی پوست ، و به خط میخی که مردم آن هنگام چنان خطی ندیده بودند، نوشته بوده و هیچ دانسته نمی شده که در چه زمانی آن کتابها را در آنجا گذاشته بوده اند.

استاد دکتر محمد محمدی ملایری ایران پژوه و چهره شاخص پژوهش های تاریخی و فرهنگی ایران روز شنبه اول تیرماه در سن ۹۱ سالگی درگذشت

ابن الندیم پس از ذکر واقعه سال ۳۵۰ که چنانکه گفتیم از قول اشخاص موثق نقل کرده گوید:«اما آنچه من به چشم خود دیدم این است که ابوالفضل‌ابن العمید در حدود سال ۳۴۰ هجری چند صندوق از کتابهای متفرقی که در اصفهان یافته بود به اینجا (ظاهرا مقصود بغداد است)فرستاد.این کتابها به زبان یونانی بود و چون اهل فن مانند یوحنا و دیگران آنها را ترجمه کردند معلوم شد که نام سپاهیان و مبلغ حقوق آنها است.»

از این کتابها تا زمانی که ابن الندیم این مطالب را در الفهرست خود می نوشته باز مقداری در نزد ابی سلیمان که از شیوخ ابن الندیم بوده وجود داشته است. و از این که کتابهای یافت شده به زبان یونانی بوده می توان حدس زد که این آثار با دوره ی جانشینان اسکندر و یا دوره های اول سلطنت اشکانیان بستگی داشته است.

ابوریحان نیز پس از اشاره به این محل و بیان این که طهمورث آنجا را برای حفظ کتب از دستبرد حوادث بنا کرده گوید: «و شاهد بر این مطلب آن است که در زمان ما،در جی(شهر اصلی اصفهان) در میان اطلال و ویرانه ها، خانه هایی پر از عدلهای بسیار از پوست درختی که به نام **توز** معروف و با آن کمان و سپر را می پوشانند پیدا شد،و تمام آنها با خطی نوشته شده بود که نه کسی آن خط را شناخت و نه دانست که در آن اوراق چه نوشته شده است.

ظاهراً ابوریحان در این عبارت به واقعه‌ی دیگری غیر از آنچه در سال ۳۵۰ واقع شده اشاره کرده است، زیرا تولد وی بعد از سال ۳۵۰ هجری بوده و در این عبارت از واقعه ای سخن می راند که در دوره او رخ داده بود.

چنان که در پیش گفتیم شرحی که ابن الندیم و حمزه ی اصفهانی و همچنین ابوریحان بیرونی راجع به کیفیت و تاریخ بنای این محل ذکر کرده اند از کتاب «اختلاف الزیجات»ابومشعر فلکی گرفته شده. نوشته ی ابومشعر تا حدی مفصل است و ابن الندیم و حمزه هر دو آن را به تفصیل ذکر کرده اند.

خلاصه کلام ابومشعر این است که پادشاهان ایران به واسطه ی توجهی که به علم و دانش داشته اند برای آنکه کتب و آثار علمی خود را از دستبرد روزگار محفوظ دارند بهترین محل ها را برای آنها برگزیده اند. و پس از آن که شرح مفصلی درباره ی بنایی که بنام **سارویه** خوانده می شده و همچنین درباره ی کیفیت انتخاب آن بیان کرده گوید که این بنا تا این زمان باقی است.

بنا به گفته ی ابومشعر تفصیلی را که وی درباره ی این بنا آورده در کتابی نوشته بوده که از همین محل و در جزء آثار موجود در آنجا به دست آمده است. زیرا چنانکه وی نوشته در دوره های قدیم خیلی قبل از دوره ی ابو مشعر قسمتی از این بنا ویران شده بوده و در آن غرفه ای پر از کتابهای قدیمی که در اقسام علوم و دانش به زبان فارسی قدیم نوشته بوده،بدست آمده است.

یکی از کتابهایی که بنا به گفته ی ابومشعر از این محل پیدا شده کتاب **زیج شهریار** است که تاثیر فراوان در نجوم اسلامی داشته است.

در تاریخ بغداد نیز از کتابخانه‌ای در **مرو** گفتگو می شود که در هنگام گریختن یزد گرد آخرین پادشاه ساسانی به نواحی شرقی ایران به آن حدود حمل شده بوده است.آگاهی ما از این کتابخانه تنها منحصر به روایتی است که در همین تاریخ بغداد آمده و خلاصه ی آن این است که یحیی بن الحسین گفت وقتی من در رقه نزد محمد ابن طاهر ابن الحسین بر کنار برکه‌ای نشسته بودم و من یکی از غلامان او را صدا زده و با وی به فارسی گفتگو می کردم، در این میان عتابی وارد شداو هم با من شروع کرد به فارسی سخن گفتن.

به وی گفتم تو چگونه این زبان را آموختی؟گفت من سه بار به این شهر آمده ام و کتابهای فارسی را که در گنجینه مرو است استنساخ کرده ام. این کتابها از زمان یزدگرد به این طرف بدین مکان افتاده و تا کنون نیز موجود است.سپس گفت من از این کتابها آنچه مورد نیاز بود برنوشتم و چون به نیشابور آمدم و از آنجا نیز چندین فرسخ دور شده به دیهی که آنرا «**دودر**»می نامند رسیدم ناگهان به خاطرم رسید که حاجت خود را از یکی از کتابها برنیاورده ام ، پس به مرو بازگشتم و چندین ماه در آنجا رخت اقامت افکندم .

به او گفتم : یا اباعمر، برای چه کتابهای فارسی را استنساخ کردی ؟جواب داد آیا معانی را جز در کتابهای فارسی می توان یافت؟لغت و بلاغت ازآن ما و معانی از آن ایشان.

منبع: فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی ـ نوشته دکتر محمد محمدی ملایری ـ انتشارات توس

Amordad Vol.1 No.7 Tuesday July.9.2002

پست الکترونیکی: E.mail: amordadchok@hotmail.com

دبیر سرویس: آمیرزا

همکاران: فرهاد روبین تن، پژمان پیلتن، فرنوش نیربوسنگی، آرش نورافروز، آرش دینیاریان، کیوان هور، نرینی دهمورد، فیروزه روبین تن، ص.زمانی، شهرام پوردهی میترا گوشی، رستم دینیاری،

تشویش و نگرانی

ما تا حالا فکر می کردیم آمیرزا که سر جلسه چکاچکُ اولتیماتوم می ده و غر می زنه و ما بدبخت های ترسو هم سوراخ موش می خریم که خودمونو قایم کنیم ، همه جا اینجوریه و همه جا حرفش پیشه .ولی این دفعه سر جلسه اتفاقی افتاد که فهمیدم خدا رو شکر چیزی بارش نیست .

داستان از این قراره که ما سر جلسه چکاچکُ نشسته بودیم و طبق معمول آمیرزا داشت سر ما داد و بیداد می کرد که یکهو در باز شد و دو تا جوون اومدن تو و آمیرزا تا نگاش افتاد به این دو نفر رنگ از روش پرید و بلند شد و خیلی مودب و آروم گفت:چی شد؟

یکی از اونا که کمی قد بلند تر بود گفت:باباجی می گی که ما زمین ورزشی داریم و بریم ورزش کنیم ، کدوم زمین؟این زمین ورزشی که ما جوونها باید بریم توش بازی کنیم کجاست؟

آدریان بزرگ که یه رئیس داشت که به اشتباه بهش می گفتن سرایدار و ما رو با داد و بیداد از آدریان فراری داد.

داشتیم در می رفتیم که گشت هم ما رو گرفت و سین جیممون کرد کلی معطل شدیم و به طرف گفتیم بابا درسته که ما جوونیم ولی هر جوونی که راستی راستی جوون نیست ، ما جوونهای تو سری خوریم که حق خودمونوهم نمی تونیم بگیریم .چه برسه به اینکه حق دیگران رو بگیریم . زمین وصال هم که قربونش برم با اون در آهنی بزرگ قفل بود و کسی جواب ما رو نداد. تو کوچه هم که می گی بازی نکنیم . پس ما باید چکار کنیم ؟

آمیرزا که حسابی جلوی اعضا کم آورده بود با ملایمت تموم گفت:خوب حالا صبر کنید ببینیم چکار میشه کرد؟

یکی دیگه شون گفت مگه تا بستون چند روزه که هی امروز و فردا می کنی ؟یهو آمیرزا عصبانی شد و سر ما داد زد: «خوب جلسه تعطیل. پاشین برین .»

اسفندیار گفت یعنی ما هم بریم دنبال زمین فوتبال؟

آمیرزا گفت نه برید به فکری به حال خودتون بکنید تا شاید ۳ در صدی که مرتب بابت سالن خسروی گرفته می شه ، زمینی ، سالنی، چیزی برای شما جوونها بگیرن تا شما بیخودی دور هم ننشینید و حرف بزنید

فردریک باراباسوفامیک

تو را بهتر ایران بباید شناخت!

همایش ملی ایران شناسی برگزار شد. همایش ملی ایران شناسی خیلی خوب است. همه آنجا ایران را می شناسند.همه از هر دو کلمه حرفشان، سه تا ایران دارد. یک آقایی که ریشش شبیه پروفسورها است می گوید: «ایران خیلی خوب است. ایران یکی از پیشرفته ترین کشورهای دنیای باستان بود.»

تلویزیون دارد فوتبال نشان می دهد. مثل اینکه جام جهانی است.بعد از تمام شدن سانسورها و صحنه های بی تربیتی ، می فهمیم که کره جنوبی بازی را برده است.

کره جزو ۴ تیم برتر دنیاست . این را جواد خیابانی می گوید.ما ۶ سال پیش ، ۶ گل به این کره زده ایم . این را هم آقا جواد می گوید. کف می زنم . هم برای کره ، هم برای ایران. پیشرفت هر دو کشور مرا کشته!

باز هم همایش است. خانمی می گوید شما هر چه دارید از ترجمه‌ی متون کهن ایرانی است.عمویم می گوید دیروز برنج خریده ، کیلویی ۱۳۵۰ تومان. یعنی با یک ترجمه‌ی متون کهن ایرانی یک کیلو برنج هم نمی دهند؟

دوباره هم همایش است. یک نفر که به او می گویند دکتر می رود که سخنرانی کند. می گوید:«تخت جمشید باعث افتخار ماست . در تمام دنیا ایران را از تخت جمشید می شناسند.»

می گویم:«خوش به حال ما که چنین چیزی داریم. واقعا باید به خود ببالیم .

چند روز پیش که داشتم تو اینترنت چک می کردم از یک جوان آلمانی همسن و سال خودم در باره‌ی پرسپولیس (پرسپولیس خارجکی تخت جمشید است)پرسیدم.

جواب داد : کجاست ؟تازه ساخته شده نه؟چون خیلی داشتم به خودم می بالیدم disconnect شدم. یک آمریکایی یانکی خاک بر سر هم که اصلا نمی دانست«ایران» چی چی هست؟

یک دکتر دیگر رفت پشت تریبون که حرف بزند . شروع کرد . با صدای بلند داد زد:«ایران دارای یک فرهنگ و تمدن غنی بوده است که تاثیر مستقیم بر تمدن و فرهنگ اروپا داشته است. »دیروز که داشتم تو خیابون جردن راه می رفتم، دیدم یک عکس هایی را روی تی شرت بعضی از این اندِ تیرپب ها کشیده اند. اول فکر کردم حتماً عکس شخصیت های فرهنگی ـ تاریخی ایران است. اسمشان را از آن خوش تیپ ها پرسیدم. ولی هر چی تو کتاب های تاریخی دنبال اسم «مایکل جکسون » و «بک استریت بویز» و «اسپایس گرلز»گشتم چیزی پیدا نکردم.

همایش همچنان ادامه دارد. می شنوم که می گویند:خطوط باستانی ایران کامل ترین خطوط جهان است.»خیلی حیف شد. اگر اینترنت به خط میخی بود می توانستم جلوی خارجی ها کلاس بگذارم. ولی حیف که نیست.

همایش دارد تمام می شود. میگویم تا تمام نشده بلند شوم بروم شاید آنجا کاری برایم پیدا شود چون تقریبا یکسال است که بیکارم. اقلا شاید بتوانم یک جاهایی از ایران را بشناسم که کار در آنجا پیدا شود. چون تا حالا که این همایش دردی از من بی پول پی کار پی فرهنگ غرب زده که بعضی ها می گویند عقل هم ندارم دوا نکرده است.

ولی یک نفر می خواند:«ای بابا ول کن جون من بی خیال»

دیگر همایش تعطیل . رسیدیم به ته همایش . همه دارند می روند. همه کلی ایران را شناخته اند. مهمانان خارجی دارند می روند فرودگاه که بروند دنبال کار و زندگی شان.مهمانان ایرانی هم دارند می روند فرودگاه که بروند خارج . چند وقتی مهمان خارجی ها باشند. آنجا بهتر می شود ایران را شناخت. من هم باید بروم فرودگاه.چند تا از بچه های همکلاسیم در دبیرستان دارند می روند کانادا آنجا بمانند. باید بروم بدرقه.

فعلا بای بای!

اسفندیار

بس که من غصه بخوردم
نفس از یادم رفت
بس که من نعره کشیدم
به فلک دادم رفت
چون بدیدم زشما رنگ وریا و نیرنگ
اسم و رسم همه ی نسلم و بنیادم رفت
چون ندیدم ز شما رنگ صفا و یاری
همه الوان طبیعت به خدا یادم رفت
بس که برداشته شد از سر این بنده کلاه
آبروی من و فامیلم و اجدادم رفت

فردریک باراباسوفامیک

داستان

آگالی گالیور، ماجراجوی بزرگ، ماجراجوییکه مکانهای بزرگ را زیر پا گذاشته و اکنون در جوامع کوچکتر پیدا شده تا به همراه سنجابش چیترا سیری در مکانهای آنجا بیاندازد.

با پسر همسایه به سمت کوشک ورجاوند برای جشن تیرگان رفتیم ، به آنجا رسیدیم . در سر یک سه راهی تعدادی سرباز را دیدم که مشغول نگهبانی بودند . در کنار آنها ۲ نفر ایستاده بودند به همراه بی سیم و موبایل اول فکر کردم که آنها هم جزء سربازان هستند ولی بعد از پرسیدن فهمیدم که آنها دیدبانهای دولت خانم کنجکاو هستند و از طرف او آمدند تا ببینند چه کسی،چه زمانی،با چه کسی و با چه ماشینی می آید.

بعد از آن وارد باغ شدم چند نفر به طرفم هجوم آوردند.دست و پایم را گرفتند و به داخل استخر پرت کردند. قبل از آن فریاد زدم : ساعتم، موبایلم ، پیپم. آنها گفتند نگران نباش ساعتت را در می آوریم . در دل گفتم نه حالا بیا و ساعت را در نیاور .

چیترا از همان اول فرار کرد و به سمت شکار لحظه ها رفت .

بعد از آنکه از استخر بیرون آمدم با شخصیت جدیدی به نام فرنگیس رو به رو شدم . تقریبا شبیه دولت خانم بود و نبود.

او ناگهان جلوی مرا گرفت و در حالیکه سرش را می جنباند گفت:اسمت چیه ؟ از کجا اومدی؟تا حالا ندیدمت؟با کی اومدی؟چطور اومدی؟چرا اومدی؟کجا درس خوندی؟چه کار می کنی ؟ ازدواج کردی؟بچه داری؟چرا؟چرا؟این بلوزو از کجا خریدی؟چند خریدی؟کی خریدی؟چند بار در هفته می شوری؟و... و تعدادی سوال دیگر که از بس تند پرسید متوجه نشدم .

فرنگیس شبیه به دولت خانم کنجکاو بود چون او هم اطلاعات می گرفت ولی کم تجهیزات و فقط برای خودش و خانواده اش.

من نمی دانستم آنجا جشن تیرگان بود یا کنفرانس جهانی تبادل اطلاعات.جوانها با شور و هیجان به روی همدیگر آن می ریختند. آدمها در پشت درختها مشغول دیدن بودند و غیبت کردن، نمی دانستم آیا این هم جزءمراسم است.

بسیاری از افراد به علت خیس شدن، موبایلهایشان را در ماشین گذاشته بودند و این به سیستم مخابراتی و تبادل اطلاعات لطمه می زد.

ساعت ۲ بود که پشت بلند گو اعلام شد:«طبق خبرگزاری دولت خانم کنجکاو جدید ترین خبرها از جشن تیرگان در اقصی نقاط جهان به عرض شما می رسد.

۱.درکرمان باغچه بوداغ آباد با حضور ۱۸۳۰ نفر.

۲. در اتریش با حضور تمامی هموندان و آش و سیرگی که توسط همکیشی با شماره شناسنامه ۴۷۸۲ و با کمک ... آقای پتی بل تهیه شده.

۳.در تگزاس آمریکا به علت زیاد نبودن زرتشتی ها تشکیل نشد.

۴.در کالیفرنیا ۲۸۴۰ نفر شرکت کردند و همکیشی همه را به صرف شام دعوت کرد و هنوز از محتویات شام خبری نیست .

باید به اطلاع برسانیم که بنگاه خبرپراکنی دولت خانم کنجکاو ادامه خبرها مخصوصا محتویات شام را در ساعت های بعدی خبری به گوش شما می رساند.

دولت خانم که خود در آنجا حضور نداشت و پای گیرنده ها و فرستنده ها بود نه تنها کل کوشک بلکه کل نقاط زرتشتی نشین ایران و جهان را هم تحت پوشش داشت.

در این فکر بودم که ناگهان آگهی او را روی دیوار دیدم که از چند خبرنگار حرفه‌ای دعوت به همکاری می کند. با خود گفتم ای کاش خانم مکنا به سر و ارباب جونگیر هم به این بنگاه بپیوندند چون توانایی آنها را در اینکار دیده بودم.ساعت ۳:۴۵ بود و هم همه‌ای بر پا شد علت را پرسیدم. آنها گفتند اخبار ساعت ۴ اعلام می کند که در کالیفرنیا شام چه دارند. ۱ ربع با اضطراب و هیجان گذشت

ساعت ۱۴. شام در کالیفرنیا پیتزا است که توسط داماد خانواده تهیه می شود.و بعد از آن برنامه دوباره شروع شد. چیترا را هم در ته باغ پیدا کردم. خسته شده بودم به یک تاکسی تلفنی زنگ زدم ، آدرس را که قبلا از ننو پرسیده بودم، دادم به خانه آمدم.در راه به این فکر کردم که ای کاش مکانی مثل آدریان جهت استفاده درست می شد تا عده ای که به علت دوری راه نمی توانند بیایند از اطلاعات استفاده کنند.

چیترا به من توضیح داد که وقتی در پی پیدا کردن فندق یا میوه از درخت بالا می رفت انسانی را آن بالا دیده ، ابتدا شک کرده که شاید او هم چیزی شبیه سنجاب است ولی بعد با توجه به کامپیوتر جیبی‌ای که همراه داشت مشخص شد که او هم از شاگردان دولت خانم است.

الیزابت باراباسوفامیک

الو چکاچک

الو ببخشید ، منزل آقای چکاچکُ؟

با درود ؛ لطفاپس از شنیدن صدای من و صدای بوق،به E_mail یالا فکس کنید

▲ آقای چکاچکُ،دستشویی های بعضی از مکان ها به حدی کثیف است که نمی شود توی آن رفت . مثل مارکار. لطفا راهنمایی کنید!

▽ چکاچک:با تشکر از این خواننده‌ی محترم، بودن چند عدد سوسک و تعدادی مگس و حداکثر یک بند انگشت چرک که موردی ندارد!به مسایل مهم تری بپردازید.

▲ باز هم تابستان شد و این بچه ها از بیکاری دارند دیوانه می شوند. لطفا مرا راهنمایی کنید!

یکی از اولیاء بچه های بیکار.

▽ چکاچکُ:مسوولان برای این مشکل هم فکر خوبی کرده اند. شما می توانید در ایام تابستان فرزندانتان را به جلسات انجمن و یا کنکاش ببرید که هم باعث انبساط خاطر آن ها هست، هم باعث رونق آن جلسات و هم...

▲ کج بودن ستون بافتنی شماره‌ی پیش بنده را ترساند، این کج بودن با زلزله ی قزوین ارتباط دارد یا این که مرتبط با برج پیزا است؟

▽ چکاچکُ: هیچکدام، ایراد از دوست صفحه بند محترم ما است که در حین صفحه بندی این قسمت ، صفحه بند ما را قلقلک می دهد و این ستون کج می شود، پوزش می طلبیم!

▲ چرا انجمن زرتشتیان تهران ۳۹ بار به گردش رفته‌اند ولی کانون دانشجویان با اینکه از جوانان تشکیل شده است فقط ۱۶ بار به گردش رفته است؟چرا به جوانان امکانات نمی دهند؟

▽ چکاچکُ:حق با شماست !به امید خدا با زیاد شدن سن ، گردش ها هم زیاد می شوند!

▲ من خیلی به فوتبال علاقه مند هستم . چه باید بکنم؟

▽ چکاچک: شما بهتر است به جای علاقه به فوتبال ، به بوکس علاقه مند شوید. زیرا برای وارد شدن به آدریان بزرگ و فوتبال بازی کردن ، باید چند راند بوکس با سرایدار آدریان بازی کنید!

از سخن بزرگان

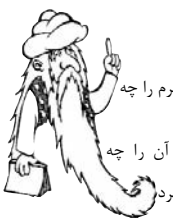

عربی را گفتند: شوربای گرم را چه نامند؟

گفت : کلهّ جوش.

گفتند: چون سرد شود آن را چه خوانند؟

گفت:ما امانش ندهیم که سرد شود.

عبید زاکانی

کاش می تونستم مثل بچه ها نقاشی بکشم

(به بهانه ی گزارش امرداد از نمایشگاه نقاشی بچه های دبستان جمشید جم ۱۳۸۱/۱/۲۷)

کاش می شد وقتی از سر کار خسته و کوفته به خونه می رسم قیافه‌ی وحشتناک و طلبکار رئیسم رو بکشم که فکر می کنه چون رئیس شده خیلی آدم مهمیه .

ای کاش می تونستم بچه های دبستانی کانادا رو نقاشی کنم یا از بابام شکایت کنم که چرا منو مثلا به اتریش نفرستاد تا کلی برای خودم اهن و تلپ راه بندازم .

یا چه می دونم قیافه‌ی خودمو که اینقدر درب و داغونه مثل آدمای شاد و خندون که بایه دهن غنچه ای گل به هم تعارف می کنن و می گن می خندن ، نقاشی کنم.

کاش می تونستم اقلا یه خونه نقلی و یه ماشین آخرین سیستم که رنگش با رنگ کت شلوارم ست(set) باشه برا خودم نقاشی کنم و اونوقت به کار آسون و پر پول برا خودم می کشیدم با بچه های تپل که برا هر درسشون یه معلم خصوصی داشتن .

شاید جاهایی رو هم که می خواستم سیر و سیاحت کنم می‌کشیدم مثل لندن ـ پاریس ـ رم و...اونوقت یه ماشین سواری درب و داغون عین ماشین خودم که با اون بعد از ظهر مسافر کشی می کنم هم می کشیدم که سرخ پوستا دارن اونو آتیش می زنن و دورش می رقصن .

شاید قیافه ی بن لادن رو هم می کشیدم که داره با اسباب بازی هاش برا خودش یه جفت برج دو قلو می سازه.

کاش می شد همه رو کشید. کاش توی همه نقاشی‌ها مردم می خندیدن ، یه خونه دوتا درخت سیب و یه حوض پر از ماهی بود با بچه هایی که داشتن بازی می کردن.

کاش می شد دستهای کبره بسته‌ی دختر بچه‌های قالی‌باف رو هم کشید که عین تنه‌های درخت قهوه‌ای و ضمخت شدن.

کاش می شد.

آخ سرم درد گرفت از بس نقاشی فکر کردم.

یا شاید از گرسنگیه. بهتره اول یه میز شام درست و حسابی برا خودم بکشم که توش پلو باشه، مرغ باشه ، کباب باشه، از اون بستنی خامه ای هام باشه ، راستی نوشابه یادم نره .

مارکوکپلو

نیازمندیها

شتری هستم که در دیدگان شما، ندیده هستم، لطفا با دیدن من ، مرا نجات دهید!

هیات دیدی ندیدی انجمن

به تعدادی قورباغه جهت کورس گذاشتن تا آدریان نیازمندیم!

سینما سینما سینما

سر و سامان دادن به کوشک ورجاوند.....**هدف سخت**

حکم اختصاص بودجه برای ما.....**پر پرواز**

پرداخت وام به جوانان زرتشتی .....**کلید ازدواج**

شروع و پایان خدمت سربازی.....**اشک و لبخند**

ستون آزاد امرداد.....**اعتراض**

خواندن مطالب چکاچکُ .....**یک بار برای همیشه**

آچار فرانسه شیرازی

-Once a friend of mind and I agreed that it would be helpful for each of us to tell the other -all our faults?

- یک روز من و دوستم با هم توافق کردیم که خیلی مفید است اگر هر کس اشتباه دیگری را به او بگوید.

- آیا این نتیجه‌ای هم داشت؟

- نتیجه اش این بود که برای پنج سال با هم حرف نزدیم.

-How did it work?

-We haven,t spoken for five years.

داداش جیمی

داد کاه .com

همایش تیرگان، به یاد آرش ،به نام میهن

مهین دخت دهنادی

بدرود او آغازی بود؛بدرود او نوایی بود؛بدرود او خروشی بود؛بدرود او فریادی بود؛بدرود او فرمانی بود؛
بدرود او آغاز بود .آغاز "آزادگی "،آغاز "آزادی "، آغاز "زندگی دوباره "،
بدرود او نوایی بود .نوای "زندگی "، نوای "عشق "،نوای "وطن دوستی "
بدرودواو خروشی بود .خروشی بر ضد همه ی "بدان و بدکاران "، خروشی بر ضد همه ی "اهریمن صفتان "
بدرود او فریادی بود .فریادی به بلندای "آزادی ایران "و "آزادگی ایرانیان "
و بدرود او فرمانی بود .
فرمان جنگ،جنگ بر ضد "اهریمنان آدم نما "،جنگ برضد "بدی ها و پلشتی ها "، جنگ بر ضد همه ی آنانی که دل به نابودی این سرزمین داشته آری؛
درود ای واپسین صبح ، ای سحر بدرود که با آرش ترا این آخرین دیدار خواهد بود .
و آخرین دیدار بود؛
جان خود در تیر کرد آرش کار صد ها،صدهزاران تیغه شمشیر کرد آرش
و اینچنین بود که آرش اسطوره آزادی و آزادگی این سرزمین نام گرفت تا به امروز .
آفتاب و ماه را درگشت / سال ها بگذشت/سال ها و باز، در تمام پهنه ی البرز، وین سراسر قله ی مغموم و خاموشی که می بینید، واندرون دره های برف آلودی که می دانید، رهگذر هایی که شب در راه می مانند/ نام آرش را پیاپی در دل کهسار می خوانند
و چنین است تیرگان؛روز پیروزی آرش،جشن آزادی و آزادی خواهی و امروز که هزاران سال از آن روزگار می گذرد،تیرگانی دیگر به یاد او برپاشده است.
تیرگانی مطابق امروز ، اگر آن روز "تیر "آرش ، تیرگان را رقم زد، امروز تیرگان زمزمه ی دیگری دارد؛برای هر جشن و به جا آوردن هر رسمی باید با زمان پیش رفت و "سنت " و "مدرنیته "را به هم آمیخت وهمایش تیرگان محملی برای این بود .برای به هم آمیختن. برای فراهم آوردن بستری برای گفت و گو و اظهار نظر،برای شنیدن و سخن گفتن.۶ روز، ۶ سخنران به یاد آرش ، و به همت بنیاد فرهنگی جمشید سخن گفتند و او را بهانه ای قرار دادند برای سخن گفتن از "وطن ".

روز نخست ،هشتم تیرماه،
سخنران دکتر علی قلی محمودی بختیاری ،
دکترای ادبیات فارسی و نویسنده‌ی ده ها کتاب از جمله کتاب«شاهنامه آبشخور عارفان»
موضوع سخنرانی : شاهنامه را چگونه بشناسیم:

خواندن قسمتی از منظومه آرش کمانگیر قبل از سخنرانی بار دیگر به یادمان آورد که آرش چه کرد و سخنان دکتر بختیاری لحظه ای همه مان را به تامل واداشت،او گفت: شاهنامه شناسنامه ملت ایران است و کتابی است رمز آمیز که باید بدانیم آن را چگونه بخوانیم و بشناسیم. گاهی اوقات می بینیم در شناسنامه ۴ صفحه ای ما با آن همه دقت ، اشتباهی رخ می دهد یا کلمه و حرفی جا به جا می شود،چه برسد به آن شناسنامه بزرگ ۶۰ هزار بیتی.

شاهنامه مانند لباس زیبایی است که چند وصله به آن زده شده . این وصله ها گرچه لباس را خنده دار می کنند اما انسان را از سرما و خطر محفوظ می دارند.این وصله ها را پدران و مادران ما برای حفظ و نگهداری شاهنامه بر آن زده اند که همان بیت های الحاقی و داستان هایی است که در مورد شاهنامه وجود دارد و باعث شده تا به امروز باقی بماند.زمان هیچ کتابی به اندازه شاهنامه مهم نیست .

شاهنامه ۸۰ سال پیش از زمانی نوشته شده که می گویند و گرچه آن را به زمان سلطان محمود غزنوی نسبت می دهند، اما باید بدانیم که وقتی سلطان محمودغزنوی پادشاه شد، فردوسی دیگر در این دنیا نبود.

ممکن است بعدها کتاب شاهنامه را نزد سلطان محمود برده باشند و دیگران جای شاهنامه را با فردوسی عوض کرده اند و گفته اند فردوسی نزد سلطان محمود رفته است . این خود ما بودیم که در آن دوران تاریخ شاهنامه را به اشتباه به زمان سلطان محمود نسبت دادیم و هنوز هم آن اشتباه را تکرار می کنیم .

من بر خلاف دیگران که می گویند عرب و مغول و ... به ایران تاختند و آن را ویران کردند،معتقدم ما هر بدبختی د طول تاریخ کشیدیم فقط از خودمان بوده ..

روز دوم ،نهم تیرماه
سخنران دکتر رضا مرادی غیاث آبادی،فوق لیسانس شرق شناسی و دکترای باستان ستاره شناسی،نویسنده کتاب هایی در زمینه های ایران باستان،گاهشماری و رصد خانه هاست .
موضوع سخنرانی : دانش و فرهنگ در ایران باستان

او با خواندن قسمتی از تیر یشت اوستا سخنان خود را آغاز کرد:"می ستاییم ستاره ی درخشان و رایومند و شکوهمند، تیشتر را ،آن شتابنده بسان تیر در هوا پران، تیر آرش ،بهترین تیرانداز ایران، تیری که بردمید بر او پروردگار،اهورامزدا و راهش را پدید آوردند،ایزدان آب و گیاه و ..." .و در بخشی دیگر از سخنان خود گفت: در شیراز در کنار آرامگاه سعدی چشمه ی زیبایی است که ماهی های نرم لطیفی در کنار آن شناورند.

همه ی مردم شیراز تا ۴۰ سال پیش هنگام جشن های ملی در این سرچشمه آب تنی می کردند و اعتقاد داشتند از این سرچشمه در جشن های ملی، ماهی سرخی به میان آب می آید که حلقه ای طلایی به دهان دارد. این ماهی سرخ با حلقه ی طلایی،نماد زیبایی است. نماد پیوند آب و آتش است،آبی که ماهی نمادش است، سرخی ماهی که نشان آتش است و حلقه ای که ماهی بر دهان دارد نشان پیمان است.

در این جا می بینیم که چقدر حرف های ناگفته در همین باور ساده و زیبای ایرانی است. پرتاب تیر توسط آرش هم در دل خود حرف های زیادی دارد. آرش ایرانی نماد آزادگی و استقلال میهن است و گرامیداشت - آرش‌ازسوی ایرانیان گرامیداشت آزادی ایرانیان است.آرش مردی دهقان بود ، تیرانداز نبود.و این نکته ی زیبایی است که ایرانیان هر چند تیرانداز نباشند،کاری مانندکار آرش انجام می دهند و به راستی اگر تورانیان با تیرانداز ماهری روبرو می شدند چه بر سرشان می آمد؟

در مورد مکان فرود تیر آرش روایت های مختلفی وجود دارد حتی ایرانیانی که در غرب چین زندگی می کنند هنوز هم درخت کهنسالی را محل فرود تیر آراش می دانند،به هر حال این باورهای مختلف در مورد محل فرود که هر کس می خواهد آن را به سرزمین خود نسبت بدهد به زیبایی این اسطوره کمک می کند.

همانطورکه د رمورد محل تولد اشوزرتشت عقاید گوناگونی وجود دارد. اگر محل تولد اشوزرتشت و یا محل فرود تیر آرش مشخص بود، این روایت ها تا به حال باقی نمی ماندند و به این زیبایی نبودند.ضمن اینکه قصد تورانیان از پذیرفتن این شرط که مرز ایران را پرتاب یک - تیرمشخص کند،تعیین مرز نیست بلکه ،نگاهی حقارت آمیز است که آنهابه ایرانیان دارند،البته نتیجه را خودتان بهتر می دانید،کار آرش فقط تعیین مرز ایران نبود بلکه ، نجات ایرانیان از حقارت بود..

روزسوم،دهم‌تیرماه
سخنران:دکتر حسین وحیدی،لیسانس حقوق و دکترای اقتصاد ، نویسنده ۲۵ جلد کتاب که از مهمترین آنها ترجمه ی کتاب "گاتها سرودهای زرتشت "است.
موضوع سخنرانی : گاتها در ادبیات ایران

خودشناسی نخستین درسی بودکه از دکتر وحیدی آموختیم.وی در آغاز سخنرانی سر آغاز گاتها را خواند و گفت یکی از شخصیت های تاریخ فرهنگ جهان که نزدیک به ۳ هزار و ۷۰۰ سال پیش در زیر آسمان آبی ایران پدیده ای فرهنگی به نام «گاتها»را به وجود آورد که پیامش می تواند در قرن بیست و یکم موثر باشد،اشوزرتشت ،ابر اندیشه و تاریخ است .

وی تاکید کرد ،وظیفه ی ما ایرانی ها در سده ی حاضر است که این گنجینه ی بزرگ را بشناسیم و به جهانیان بشناسانیم. گاتها از همان سر آغاز خود که به امشاسپندان ،آن شش مرحله ای که با "وهمن"اندیشه نیک آغاز می شود و در پایان به "امرداد"جاودانگی ختم می شود،پر از رمز و راز است .

در شاهنامه هم پندهای زیادی نهفته است که با دنیای امروز ما همخوانی دارد و این پندها امروز هم به کار می آیند. مثلا در داستان رستم و اسفندیار چون دانش در راه مرگ و نابودی به کار رفته است ،عاقبت خوشی ندارد و اگر این پیام فردوسی را به جهان امروز برسانیم که بزرگترین مغزهای دنیا مشغول ساختن بمب اتم،موشک ها و بمبهای شیمیایی هستند و هزینه ی بسیاری را در این راه صرف می کنند در حالیکه فقر در کشورهای دیگر موج می زند و این بسیار دردناک است.

او در بیان یک نمونه واقعی دیگر از داستان های شاهنامه ،به داستان رستم و سهراب اشاره کرد و گفت: این داستان ، داستان خود ماست ،ما ایرانی ها که خود رانمی شناسیم ،درد سهراب درد ماست..

روز چهارم ،یازدهم تیرماه
سخنران: دکتر کتایون نمیرانیان، دکترای فرهنگ و زبان های باستانی.
موضوع سخنرانی : اسطوره تیرگان در شاهنامه.

دکتر نمیرانیان سخنرانی خود را با نقل گفته ای از استاد خود آغاز کرد که همه ی ما وقتی شعر حافظ را می خوانیم لذت می بریم ولی اگر از ما بپرسند که چه چیز آن زیبا بود جواب دادن به این سوال برایمان سخت است. در مورد شاهنامه نیز بیرون آوردن دلایل زیبایی کار فردوسی که مجموعه ای از آرمان ها ،آرزوها و اسطوره های ایرانی است ،کاردشواری است.

وی گفت: قشنگی کار فردوسی در این است که با وجود اینکه خودش مسلمان است و عمده اسطوره هایی که بر آنها کار کرده،برگرفته از دین زرتشتی است،به شکلی آنها را سروده است که هر کس ،زرتشتی یا غیر زرتشتی آن را می خواند احساس خوبی پیدا می کند. و نکته ی مهم دیگر این است که فردوسی از خودش داستان نمی گوید و امانتداری و مقید و موظف بودن او در انتقال متون کهن ارزشمند است.

او در مورد پهلوانی شاهنامه گفت:شاید بسیاری از ما شاهنامه را به اسم رستم بشناسیم ،رستم فرزند آرزوهای ایرانی است و اگر کسی بخواهد ایرانی را بشناسد من را نمی شناسد بلکه، رستم را می شناسد. نه اینکه ما همه مثل او هستیم . بلکه می خواهیم باشیم.

این انسان آرمانی ما به جای همه می جنگد و حتی به جای همه اشتباه می کند و به همین دلیل است که شخصیتش در دل ما می نشیند و محبوب است ،چون ما هم اشتباه می کنیم.او در مورد اسطوره ی آرش گفت: آرش از میان مردم انتخاب می شود، تیر را پرتاب می کند،خاک و باران را هر دو باهم به ایران زمین باز می گرداند و آبادانی را به ارمغان می آورد.

نکته ی مهمی که در داستان آرش وجود دارد این است که آرش نمی میرد،تیر را پرتاب می کند. تیر پیدا می شود ولی تیر انداز پیدا نمی شود و در هیچ روایتی نداریم که جسد آرش را بیاورند و برای آن سوگواری کنند.

اما ارتباط شاهنامه و تیرگان هیچ است. هیچ جای شاهنامه به جز چند جای کوچک اشاره ای به آرش نشده اما چرا؟شاید واقعا یکی از دلایلش این باشد که یک پهلوان برای شاهنامه کافی است و پهلوان اصلی شاهنامه رستم است..

روز پنجم،دوازدهم تیرماه
سخنران : توران شهریاری (بهرامی)شاعر زرتشتی و کارشناس ارشد حقوق
موضوع سخنرانی : وضعیت حقوقی و اجتماعی زن در آیین زرتشت

قسمتی از سروده های ایشان در مورد «تیرگان و آرش » خوانده شد. وی علت انتخاب این موضوع را برای سخنرانی چنین عنوان کرد:این سخنرانی را در این روز انجام می دهم چون تیر بین خردادو امرداد است و خرداد و امرداد دو امشاسپند بزرگ مونث آیین زرتشت هستند و روح مونث و زنانه دارند و دیگر امشاسپندان همه روح مذکر دارند.از آغاز خلقت در بالاترین مراحل آفرینش زن و مرد در آیین زرتشت برابر و یکسانند و زن و مرد دو بال آفرینش هستند که اگر یکی نباشد با دیگری پرواز ممکن نیست.

وی در قسمتی از سخنان خود گفت: در ایران باستان زرتشتیان زناشویی را تنها به منظور رفع حوایج جسمانی و جنسی انجام نمی دادند بلکه برای آن هدف و آرمانی بسیار عالی و مترقی داشتند. این هدف فراهم کردن وسایل - پیشرفت معنوی و غلبه نهایی نیکی بر بدی بود.

بنابر این ، زناشویی در دین زرتشت عملی مقدس و ستایش انگیز است که از هر گونه تحقیر و تبعیض و نابرابری به دور است. به قول دکتر"گیگر" از خصوصیات موقعیت حقوقی زن و برابری او با مرد در دین زرتشت آن است که همانطوریکه مرد پس از زناشویی به لقب«نمان پئیتی»یعنی سرور و کدخدای خانه ملقب می گشت ،زن نیز از همان روز نخست زناشویی به لقب«نمانو پئیتی»یعنی نور و فروغ خانه ملقب می گشت .

به عبارت دیگر مرد کدخدا و زن کدبانو بود.زن چه در زندگی خصوصی و چه در زندگی اجتماعی از آزادی کامل برخوردار بود. در مورد آزادی در ازدواج هیچ چیز مستند تر و موجه تر از رفتار خود اشوزرتشت نسبت به دختر کوچکش پروچیستا نیست که به او میگوید:"پروچیستا من جاماسب را که مردی دانشمند است برای همسری تو برگزیدم. تو با خرد مقدس خود مشورت کن و ببین که آیا او را لایق همسری خود می دانی یا نه؟آری ،زن در ایران باستان چنین جایگاهی داشت.

روز ششم ،۱۳ تیرماه؛روز گذر است ؛روز روایت وحکایت؛ حکایت شیرین پیروزی خوبی بر بدی؛ روز حکایت گذر فریدون از آب با هنرنمایی خانم فاطمه حبیبی زاد .

او که دانشجوی سال آخر کارشناسی موزه بود وعاشق شاهنامه. این را می شد از تمام حرکاتش که از صمیم قلب بر می آمد ،خواند.او از آب گفت، از پاکی آب ، از روانی و روشنی آب ، از یاری آب بانیکان و از فریدون گفت،از عزم او برای غلبه بر بدی و اینها را با تمام وجود از زبان فردوسی خواند و با حرکات خود به نمایش گذاشت.سالن پر بود و همه محو کلام فردوسی بودند . آن بزرگ شاعر ایران . و البته قدرت بیان و اجرای آن بانوی هنرمند.

فریدون از اروندرود می گذرد؛همایش به پایان می رسد؛مجری برنامه از اجرای "همایش امردادگان"خبر می دهد.حاضران را دعوت می کند.

سالن را ترک می کنم،از دخترکان سبزمکنا که لباس سنتی زرتشتیان را به تن دارند و با آینه و گلاب و نقل از حاضرین پذیرایی می کنند ، می گذرم.

نمی دانم به آرش فکر کنم، به تیرگان،به فردوسی،به ایران.اما نه،دعوت به راستی و درستی ، پرهیز از بدی و وطن دوستی محور کلام همه ی سخنرانان بود.

نوای :"باز هوای وطنم آرزوست "که پایان بخش همه ی برنامه ها بود در گوشم طنین انداز است .

آری،همه ی اینها برای **وطن** است«**وطن**».

Amordad Vol.1 No.7 Tuesday July.9.2002
E.mail: amordadnews@hotmail.com پست الکترونیک:

دبیر سرویس: بابک سلامتی

همکاران امرداد در شهرستان ها : شهرام پوردهی مهربان پولادی ،بابک خداداد کوچکی ،مهران غیبی خسرو بهدین ،فرزاد شهریاری فر

آیین بزرگداشت دکتر محمد معین برگزار شد

آیین بزرگداشت هشتاد و یکمین سالگرد درگذشت دکتر محمد معین در روز آدینه ۱۴ تیرماه در آستانه اشرفیه برگزار شد.

دراین آیین که از سوی ستاد بزرگداشت سالگرد درگذشت دکتر معین برگزار شد ،معاون عمرانی استاندار گیلان ، خانواده دکتر معین و بیش از ۵۰۰ نفر از شخصیت های علمی ،فرهنگی و ادبی کشور حضور داشتند. در این‌آیین پروفسور «جمشید گیونا شویلی» ،سفیر گرجستان در تهران گفت :بین مردم ایران و گرجی نکات مشترک و تماس های علمی ، فرهنگی و ادبی بسیاری است.

وی افزود:در برخی از موارد این تماس ها و اشتراکات به اندازه ای است که برای دست یابی به حقیقت یک موضوع باید از هر دو منبع ایرانی و گرجی استفاده کرد.

وی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به ویژگی های شخصیتی دکتر محمد معین گفت:وی انسانی دقیق و ژرف اندیش به کارهای علمی و وفادار به ارزش ها و مسوولیت های علمی بود.

دکتر«مهدخت معین»دختر زنده یاد محمد معین در این آیین افزود:تجلیل از شخصیت های علمی و فرهنگی تاثیر بسزایی در جوانان برای پی گیری علم و دانش دارد.وی گفت: زنده نگهداشتن یاد بزرگان یاد آور این حقیقت است که مرگ هرگز نمی تواند پرده فراموشی بر روی این افراد بکشد.

در این آیین دکتر دادبه از اساتید دانشگاه علامه طباطبایی نیز در مورد ویژگی های حافظ شناسی دکتر معین سخنرانی کرد.شعرخوانی و سخنرانی نماینده آستانه اشرفیه از دیگر برنامه های این آیین بود.

دکتر «محمد معین»خالق آثار علمی و ادبی بسیاری است که فرهنگ شش جلدی معین یکی از آثار ماندگار وی است.این

استاد برجسته ی کشور در ۱۳ تیرماه ۱۳۵۰ پس از حدود ۵۰ سال زندگی و تلاش در عرصه علم و دانش بر اثر بیماری درگذشت.

هیات تایید دبیرخانه ی دائمی کنگره اعلام کرد:

امکانات انجمن زرتشتیان کرمان برای برگزاری همایش جوانان کافی است

امکانات انجمن زرتشتیان کرمان برای برگزاری همایش جوانان کافی است واین همایش با دیرکرد قابل توجهی از سوی انجمن زرتشتیان کرمان برگزار خواهد شد .

هیئت سه نفره شامل‌خسرو دبستانی نماینده ی زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی و مهندس آبادیان رئیس گردش ۳۹ انجمن زرتشتیان تهران و مهربان مهر هموند هیات مدیره ی این انجمن ضمن بازدید از امکانات انجمن زرتشتیان کرمان این مطلب را تایید کردند.خسرو دبستانی در گفتگو با خبرنگار امرداد گفت :تاریخ جدید همایش جوانان کرمان به زودی اعلام می شود و تعداد شرکت کنندگان بر حسب امکانات تعیین خواهد شد .

وی در سفر خود به کرمان از محل های وابسته به انجمن زرتشتیان کرمان از جمله باغچه ی بوداغ آباد،آتشکده و دفتر ثبت زرتشتیان که به تازگی نخستین ازدواج خود را به ثبت رسانده است دیدن کرد.به گزارش خبرنگار ما خسرو دبستانی در پسین روز دیدار خود ، در نشستی با حضور زرتشتیان کرمان در تالار آتشکده شرکت کرد.

پرویز اهورایی در نشست هیات مدیره ی سازمان فروهر جوانان زرتشتی گفت:

برای تبلیغات کتابخانه باید تبلیغات بیشتر داشته باشیم

دکترپرویز اهورایی در نشست هیات مدیره ی سازمان فروهر جوانان زرتشتی گفت:برای راه اندازی کتابخانه باید نیروهای جوان را جذب و تبلیغات بیشتری انجام دهیم.

وی در پاسخ به پرسش رستم وحیدی ـ رئیس هیات مدیره ی جدید سازمان فروهر ، مبنی بر اینکه چرا کتابخانه ی سازمان فروهر فعال نمی شود،با بیان این مطلب گفت: با نامه نگاری های مختلف مشکل کتابخانه حل نمی شود.رستم وحیدی راه حل مشکل کتابخانه را در جذب نیروهای ورزشی ـ هنری داخل سازمان فروهر در کار کتابخانه دانست.

مهرتاشی مسوول گروه انتشارات سازمان فروهر نیز گفت:چون جوانان در فصل تابستان وقت آزادی برای همکاری در کتابخانه دارند باید از آنها یاری ـ خواست و با همکاری آنها مشکل کتابخانه برای همیشه حل می شود.

وی همچنین پیشنهاد کرد که سازمان فروهر نیز باید همچون برخی موسسه ها کتابدارهایی به صورت داوطلب تربیت کند تا بعدها بتوانند بطور رسمی و با دریافت حقوق ماهیانه در اداره کتابخانه با سازمان فروهر همکاری خود را ادامه دهند.

وی افزود:باید کتاب خریده شود،کتابهای جدید به دوستداران معرفی شود و اعضای جدید پذیرفته شوند و همچون کتابخانه های رسمی برای هموندان کارت صادر شود.

ساخت فیلم کره‌ای از آثار تاریخی شوش

مدیر کل میراث فرهنگی خوزستان گفت:یک گروه فیلمساز کره یی به منظور تهیه ی یک فیلم مستند ،از آثار تاریخی شوش تصویربرداری کردند.

آثار تاریخی فیلمبرداری شده در شوش شامل چغازنبیل و کاخ آپادانا هستند. قلی نژاد افزود: این گروه از لندن وارد ایران شده و پس از ایران کار خود را در عراق، لبنان ،سوریه و فلسطین اشغالی دنبال خواهند کرد.این فیلم پس از تهیه،از شبکه ی دولتی کره پخش می شود.

ستون آزاد

الو ، روز بخیر ، امرداد ؟ !
پیام گیر امرداد
روی خط ۸۸۲۴۸۰۶دریافت کننده پیام ها ، پیشنهادها و انتقادهای شما

از انجمن زرتشتیان تهران تقاضا دارم که نگذارند جوانان به آمریکا مهاجرت کنند . درآمریکا به جز بیکاری و بدبختی و گرفتاری خبری نیست . این درد ما زرتشتی ها است .

جمشیدی

در شماره ی پیش مطلب آقای قدردان که به یاد پستچی شریف آباد نوسشته شده بود واقعا مرا ـ خوشحال کرد که بالاخره شخصی قدردان پیدا شده است که قدر دیگران را می داند واز آن یاد می کند . واقعا باید قدردانی و زنده نگه داشتن یاد بزرگان در جامعه رواج پیدا کند .

نام محفوظ

تکلیف زمین های قصر فیروزه و قرار داد اجاره ی آن با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی چه شد ؟ به کجا رسید ؟

از تهران

واقعا نمی دانیم باید بعضی مشکلات را به کجا انعکاس دهیم . به نماینده ی زرتشتیان هم که می گوییم ، جواب می دهند که به ایشان مربوط نیست . واقعا چاره چیست ؟

بدون نام

به آقای قاضی و کادر دبیرستان فیروز بهرام به خاطر قبولی ۹۷ی از دانش آموزان کلاس سوم دبیرستان در امتحان پایان ترم تبریک می گویم و برای آن ها آرزوی کامیابی روز افزون دارم .

یکی از اولیاء

لطفا این صفحه طنز را از هفته نامه تان حذف کنید و به جای آن مطالب علمی و تاریخی و ... ـ بگذارید . چون ما به اندازه ی کافی در جامعه طنز و موضوع های خنده دار می بینیم .

اردوانی

ویراستاریه

خبر انتخاب رئیس کمیسیون های کرمان که در شماره ی گذشته چاپ شد به این طریق تصحیح شده و اخبار تازه بدست آمده به آن اضافه می شود:هوشنگ نوذری رئیس کمیسیون خدمات و فرشاد صرفه نیا رئیس کمیسیون طرح ها و پیشنهادها ، فرزاد نیکدین رئیس کمیسیون ورزشی و ایسدواستر فرهادی رئیس کمیسیون حقوقی و اوقاف هستند .

معرفی دانش آموزان ممتازتلاش هایشان را پایدار خواهد کرد

تلاش فرزندان‌خود را با معرفی آنان در امرداد ارج نهید برای چاپ عکس فرزندان ممتاز خود در امرداد می توانید یک قطعه عکس ، کپی کارنامه را به پیوست فیش واریز مبلغ ۳۰ هزار ریال (سه هزار تومان) به حساب شماره ۸۷۸/۸ بانک ملت شعبه صنایع ملی به نام جمشید کیومرثی ، به دفتر نشریه امرداد به نشانی خردمند شمالی " کوچه ششم " شماره ۲ " کد پستی ۱۵۸۵۸ارسال فرمایید و یا حضورا تحویل نمایید . همچنین نمایندگی آقای هرمزدیار اختری (فروشگاه پاسارگاد) در تهران و نمایندگی آقای برادران اخوی جو (کتابفروشی کوروش) آماده دریافت مدارک فرزندان شما هستند .

برای آگاهی بیشتر با شماره تلفنهای: ۷۸۰۰۳۵۹ ـ ۸۸۲۴۸۰۶ و ۸۸۲۵۲۱۲ تماس حاصل فرمایید

کتابفروشی اندیشه نیک
مرکز کتابهای تاریخ و فرهنگ ایران
خرید و فروش کتابخانه
تهیه و خرید کتابهای نایاب و خطی
تلفن : ۰۹۱۳۲۲۲۹۳۳۶
۶۹۵۵۰۱۴

کولر اتومبیل ابراهیمیان
نصب ـ تعمیر و شارژ
کولر اتومبیل
تلفن : ۷۴۱۷۹۹۴

موبایل کامبیز
چک ۲٪ خرید ..... نقد
فروش ..... اقساط سفته ۳٪
باتخفیف ویژه برای همکیشان
تلفن : ۶۵۲۰۵۸۰-۶۵۲۴۶۰۸
۰۹۱۳۲۲۳۳۲۴۴

مزدا رایانه
نقد .... اقساط
خرید و فروش کامپیوتر
پنتیم 3 و 4 ، برای همکیشان با تخفیف ویژه
کارت تلفن و اینترنت با آموزش
کپی سی دی با برنامه
کامران گشتاسبی ۴۲۳۷۸۶۱

به نام خدا
پیشاهنگ سخن
تایپ ، پرینت ،
صحافی‌اسکن ، کپی رنگی
تلفن : ۶۹۲۴۰۹۴

به یک نفر خانم جهت نگهداری
از مادر سالمندم در منزل از صبح تا عصر یا بطور تمام وقت نیازمندیم
تلفن تماس: ۸۳۰۸۸۳۹

ارشیا رایانه
سخت افزار،نرم‌افزار،اینترنت
پرینت،اسکن، صوتی و تصویری
کپی CD ،خرید و فروش
ارتقاء سیستم
با تخفیف ویژه برای همکیشان
همراه: ۰۹۱۳۲۳۵۸۷۱۶

خدمات کامپیوتری **سپند**
Spand COMPUTER SERVICE COMPANY
ارتقاً،مونتاژ،تعمیروتهیه وتوزیع انواع لوازم جانبی
تهیه و راه اندازی اینترنت
رایت،پرینت،اسکن
فروش اقساطی با کارمزد ۱/۵٪ فقط ۱/۵٪ فروش پایان یک معامله نیست آغاز یک تعهد است
تهران ،خیابان ولیعصر،پایین ترازپارک دانشجو،کوچه هاشمی‌فر،پلاک۵۳
تلفکس: ۶۴۱۵۳۶۳ همراه: ۰۹۱۳۲۰۲۶۰۲۰-۰۹۱۳۲۷۰۴۷۲۰
EMAIL:SPANDCO@hotmail.com

راستین مسکن
خرید ،فروش و اجاره
آدرس :یوسف آباد ـ میدان فرح بخش (سلماس) خیابان شهریار پلاک ۱۳۴
تلفن : ۸۰۲۳۶۴۲-۸۰۲۵۳۵۲

ویلای اجاره‌ای
درشمال (چیلک)
تلفن : ۶۰۰۹۴۹۰

شروع ثبت نام
کلاسهای ریاضیات
اول و دوم و سوم راهنمایی
خانه شهریاری
شروع کلاسها : اواخر تیر ماه
آموزش کلیه سازهای ایرانی و کلاسیک و آواز
توسط مجربترین اساتید موسیقی ایران
بنیاد فرهنگی جمشید
تلفن : ۸۸۲۵۲۱۲
تماس : ۹ الی ۱۱ ، ۴ الی ۷ پسین

استریو دیسکو
عرضه کننده مدرن ترین دستگاههای صوتی و تصویری،موبایل
فروش و نصب دزدگیر ، قفل مرکزی اتومبیل
فروش و نصب رادیوپخش و CD(چنجر)
آدرس:خیابان کارگر جنوبی ـ نرسیده به جمهوری ـ پلاک ۱۳۵ تلفن:۶۴۳۷۱۵۳ .
۰۹۱۱۲۰۶۱۸۴۹ . سهراب جمشیدیان

مسکن پارسیان
مرکز اطلاعات املاک در کرج
خرید.فروش ـ رهن ـ اجاره
تلفن:۰۲۶۱.۴۴۱۴۹۶۳
نشانی:کرج ،گوهر دشت فلکه اول،جنب بانک مسکن

یسنا کامپیوتر
سخت افزار ، نرم افزار ، سرویس و پشتیبانی ، خدمات ، اینترنت،تعمیر قطعات .
نشانی : ولیعصربالاتر از چهار راه طالقانی مرکز کامپیوتر ایران ورودی دوم پلاک A۴
تلفن: ۱۷ ـ ۸۸۰۵۱۲۸
۰۹۱۱۲۳۴۲۹۴۷

خدمات برق
بهنام بخت
تلفن: ۸۸۲۴۶۹۳
سیم کشی ساختمان
نصب اف اف، آیفون، تایمر راه پله، هواکش، رفع اتصالی، برق و تلفن، نگهداری برق ساختمان، تعویض سیم کشی منازل و سرویس کولر

اخذپذیرش‌تحصیلی‌ازاوکراین
برای دارندگان دیپلم و بالاتر
(با انتخاب رشته و بدون آزمون ورودی)
۸۸۰۵۶۴۰-۴۱
بین ساعت ۱۰ ۱۵

مشاور املاک شما همکیشان در کرج
رستم پرویزی
تلفن:۰۲۶۱-۲۵۰۶۰۱۸
نشانی:کرج ،عظیمیه ، خیابان شمس پلاک ۱۷۰

پرستو و اردشیر عزیز
قدم نورسیده را بر شما
و خانواده تان
شادباش می گوییم
خانواده مهرداد دهنادی

امرداد
هفته نامه (هم اکنون دو هفته یکبار)
خبری،فرهنگی،اجتماعی
ناشر : بنیاد فرهنگی جمشید
صاحب امتیازومدیر مسئول :جمشید کیومرثی
سردبیر: آتوسادینیاریان
صفحات میانی زیرنگر: بوذرجمهر پرخیده
مدیر هنری : کیخسرو خادم
مدیر داخلی: آرش نورافروز
حروف آرا: بهاره کیومرثی
مدیر آگهی ها: مژگان مژگانی
لیتوگرافی و چاپ :کیان
نشانی: خردمند شمالی، کوچه ۶، شماره ۲ کدپستی ۱۵۸۵۸
تلفن: ۸۸۲۴۸۰۶ نمابر: ۸۸۲۵۲۱۲
مقالات چاپ شده الزاما نظر امرداد نیست
امرداد درویرایش مطالب آزاد است .
پست الکترونیک: amordad @ hotmail . com